

به یاری خداوند توانا

خاطراتی از شهید سید مجتبی نواب صفوی

| به اهتمام: علی اکبری مزدآبادی |

فهرست

۷.....	مقدمه
۹.....	سال شمار زندگی سید مجتبی نواب صفوی
۱۱.....	بچه‌ی کوچه مسجد قندی
۱۹.....	این بند را اجانب به گردن ما انداخته‌اند
۲۳.....	بکوب بر سر هر چه غیر خداست
۲۵.....	لات چاله میدان اسلام
۳۱.....	من کوچیکتم
۳۵.....	آخوند انگلیسی!
۳۹.....	آغاز مبارزات سیاسی
۴۹.....	اعلان موجودیت
۵۱.....	چریک روستا
۵۳.....	بهای انگلیسی
۵۷.....	جنازه رضاخان
۶۳.....	ترورزم آرا
۶۹.....	معرفی مصدق و حکومتش
۷۳.....	ماجرای یک اعتصاب
۷۷.....	ساعت ملاقات
۸۳.....	پس از کودتا
۸۷.....	شرکت در مؤتمرات اسلامی
۹۵.....	از طرف نواب صفوی
۹۷.....	پاسخ به ابهامات
۹۹.....	زنده باد نواب صفوی

مقدمه ناشر:

«سید مجتبی میرلوحی» که بعدها نام خانوادگی «نواب صفوی» را برگزید، به سال ۱۳۰۳ در محله خانی آباد تهران متولد شد. وی از کودکی به مباحث اسلامی و دینی علاقه نشان می داد؛ به گونه ای که از قول نزدیکان او نقل شده، هنگامی که کودک خردسالی بود، روی یک چهارپایه می نشست و از مادرش وزن های همسایه دعوت می کرد تا رویه روی او بنشینند و برایشان روضه بخواند.

این روحیه روزه روزه روز در رسید مجتبی قوت گرفت، تا جایی که وی در سن بسیار کم، تبدیل به پرچمدار مبارزه علیه رژیم طاغوت شد. وجود فسادهای اخلاقی و فرهنگی، اختلاف شدید طبقاتی، بی توجهی نسبت به احکام اسلامی خصوصاً در ارکان حکومت و غلبه شدید قوای اجنبی بر منابع طبیعی و انسانی ایران، او را سخت آزار می داد. سید مجتبی در حالی که طلبه جوان گمنامی بیش نبود، به صورت علنی، در هر فرصتی جنایات خاندان پهلوی را فریاد می زد و تلاش می کرد تا با تنویر افکار عمومی، دیگران را نیز با خود همراه کند. اوبه تدریج مورد توجه و عنایت بزرگانی هم چون آیت الله طالقانی، آیت الله صدر، آیت الله محمد تقی خوانساری و... قرار گرفت. سید مجتبی تلاش کرد تا با کمک های مالی و فکری ایشان، سر و شکل منظم و سازمان یافته تری به مبارزاتش بدهد. کم کم افراد دیگری به حلقه یاران نواب پیوستند و جمعیت فداییان اسلام به رهبری او، با انتشار بیانیه ای اعلام موجودیت کرد.

سید مجتبی در ابتدا، راه گفت و گو و مباحثه را پیش گرفت. او تلاش کرد تا از این طریق، فساد روحی و فکری افرادی هم چون احمد کسروی را که کنترل فکری جامعه را در دست گرفته بودند نمایان کند، اما پس از مدت کوتاهی، پی برد که با این روش نمی توان جامعه را اصلاح نمود و به سمت یک جامعه الهی سوق داد.